



نقد پنداره دشمنی قرآن با همه یهودیان^۱

محمد باقری صدر^۲

چکیده

در قرآن آیات متعددی وجود دارد که در نقد یهودیان نازل شده است و بسیاری از مفسران، به وقت مواجهه با این آیات، مصداق یا شأن نزول آن‌ها را مطلقاً یهودیان ذکر کرده اند. همین امر سبب ایجاد این انگاره شده که قرآن با تمامی یهودیان سر جنگ دارد. موضوع پژوهش حاضر نقد این پنداره غلط است. باید دانست قرآن فقط مسیر نقد ایشان را نپیموده، بلکه برخی از عالمان و عوام ایشان را ستوده است. همچنین نقدهای قرآن نسبت به یهودیان نیز مربوط به همه یهودیان نیست. چرا که یهودیان ساکن مدینه، از یهودیان اصیل نبوده بلکه برخی از آن‌ها اعراب یهودی شده بوده و اکثر افراد باقیمانده که اصالتی یهودی داشته اند هم بخاطر دور افتادن از مرکز علمی یهود - یعنی سرزمین شامات خصوصاً شهر بیت المقدس - و تأثیر پذیری از فرهنگ جاهلی، کم کم از عقاید اصیل یهود دور شده و به عرفان‌های خود ساخته، مثل عرفان قبایله گرویدند. همچنین برخی از عالمان دینی آن‌ها مسلمان شده و بعضی از ایشان، بجای علم اندوزی به زر اندوزی - حتی از راه ربا - می پرداختند و برخی از عالمانی که برای درک پیامبر خاتم^۶ به حجاز آمده بودند، قبل از بعثت وفات نمودند. پس این یهودیان نمی توانند آئینه تمام نمای متدینان واقعی به دین یهود باشند حال آنکه بیشتر نقدهای قرآن درباره این قسم از یهودیان است. روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و هدفش آن است که جلوی برداشت‌های اشتباه از آیات مربوط به یهود را بگیرد.



^۱ . این مقاله قبلاً در سلسله منشورات کنگره بن المللی قرآن و علوم ا.انی، با رتبه عل . - پژوهشی ISC چاپ، نشر و نمایه سازی شده است.

^۲ . طلبه سطح سه حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث Bagherisadr@gmail.com



کلید واژگان: یهود، قرآن، یهود در قرآن، دشمنی قرآن با یهود

۱. طرح مسأله

با نگاهی به هندسه آیات قرآن می‌توان دریافت اعتقادات و سرگذشت متدینان به ادیان مختلف حجم قابل توجهی از آیات را به خود اختصاص داده‌اند. در این میان، آیاتی که مستقیم یا غیر مستقیم به یهودیت و یهودیان پردازد، کم نیست. آیاتی که گرچه بیشترشان جهت گیری منتقدانه دارند، اما برخی از آن‌ها هم در تمجید و تایید عمل یهودیان نازل شده است. به‌علاوه آن‌هایی که جهت گیری منتقدانه دارند نیز از تمامی یهودیان انتقاد نکرده و علت نقدشان را صرفاً انتساب افراد به دین یهود نمی‌دانند؛ بلکه عمل یا اعتقاد آن‌ها را نقد می‌کنند. نقدی که می‌تواند حتی به مسلمانانی که به آن اعمال یا اعتقادات دست یازند نیز وارد باشد.

قرآن کریم یهودیان مخاطب خود را به دو قسم عالمان و غیر عالمان تقسیم می‌کند؛ و هر کدام از عالمان و غیر عالمان نیز، خود به نیک کرداران و زشت کرداران تقسیم می‌شوند. از نیک کرداران آن‌ها تمجید و تعریف می‌کند تا جایی که به عالمان نیک کردارشان عنوان راسخان در علم می‌دهد، و زشت کردارانشان را نقد می‌نماید. نکته جالب توجه اینکه قرآن در زمان قرار گرفتن عبارت تمجید و نقد در کنار هم، ابتدا تمجید می‌کند و سپس به نقد می‌پردازد.

پس می‌توان گفت اولاً قرآن همیشه در مقام نقد یهودیت و یهودیان نبوده است، و ثانیاً نقدهای قرآن قوم محور نبوده، که صفت محور است. بدین معنا که قرآن با هیچ یک از اقوام سر جنگ نداشته و همه را با معیار ایمان و عمل صالح می‌سنجد. بنابراین اگر مسلمانان نیز به عملکرد ناصواب برخی یهودیان روی بیاورند، آن‌ها هم مشمول همان نقدهای قرآن قرار خواهند گرفت. و ثالثاً نقدهای قرآنی مربوط به یهود هم تمامی یهودیان در همه اعصار و امصار را شامل نمی‌شود.





۲. پیشینه تحقیق

از آنجا که منابع پژوهش حاضر پس از قرآن، عهدین، تفاسیر و کتب تاریخی، تک نگاری‌هایی است که به این موضوع فی الجمله پرداخته‌اند؛ می‌توان گفت این موضوع بصورت پراکنده در کتاب‌هایی چند آمده است که در ذیل به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۲-۱. بنو اسرائیل فی القرآن و السنه :

دکتر محمد السید الطنطاوی این کتاب را در دو مجلد و در حدود هزار صفحه نگاشته‌اند. نه فصل این کتاب چنین مرتب شده‌اند: تاریخ بنی اسرائیل و احوالهم فی جزیره العرب، منهاج القرآن الکریم فی دعوه اهل الکتاب الی الإسلام و مظاهر انصافه لهم، مسالک اليهود لکیدهم الإسلام و المسلمین، تادیب اليهود، نعم الله علی بنی اسرائیل و موقفهم الجحودی منها، ردائل اليهود کما یصورها القرآن، دعاوی اليهود الباطله و کیف رد القرآن الکریم علیها. می‌توان گفت مؤلف محترم تفاوتی بین بنی اسرائیل و یهود نیز قائل نشده است و این دو عنوان را، اسامی متعدد برای گروهی واحد دانسته است.



۲-۲. سیمای یهود در قرآن :

دکتر عبدالله حاجی صادقی این کتاب را در پنج فصل با عناوین: کلیات، نعمت‌های خاص خداوند به بنی اسرائیل، مواضع فکری و اعتقادی یهود، رفتارها و اعتقادات عملی یهود، و نتیجه اقدامات یهود جمع آوری کرده است. نگاه مؤلف در این کتاب بیشتر ناظر به علل نزول آیات و بیان



نقد پنداره دشمنی قرآن با همه یهودیان

داستان مورد اشاره در آیه است. لازم به ذکر است این کتاب با همین عنوان تلخیص هم شده است.

نکته: چهار کتاب به زبان عربی نوشته شده که می‌توان آن‌ها را مشابه کتاب فوق الذکر دانست. غیر از اینکه آن‌ها به عربی نگاشته شده‌اند:

۱- التصوير القرآنی لشخصیه الیهودی؛ دکتر مصطفی عبدالعاطی غنیمی.

۲- سیمای بنی اسرائیل در قرآن و عهدین؛ ابوالفضل روحی.

۳- القرآن و التوراه؛ حسن الباش.

۴- القرآن و الیهود؛ شیخ منصور الرفاعی عبید.

۵- الیهود فی القرآن الکریم؛ محمد عزة دروزه.

همان گونه که در توضیحات مختصر پیرامون هر منبع گذشت، گرچه نوشته‌های معرفی شده بسیار قابل استفاده بوده و در این تحقیق نیز از آن‌ها بهره‌ها برده شده است، اما به موضوع دشمنی قرآن با همه یا برخی از یهودیان پرداخته‌اند. **دوره علمی قم**

مدرسه علمیه امام صادق (ع) (مدرسه آقا)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳. واژه شناسی یهود در قرآن

واژه «الیهود» و مفرد آن «یهودی» هشت بار در قرآن کریم تکرار شده است. از دیگر مشتقات آن، جمعا ۲۱ کلمه در قرآن کریم آمده است؛ ده بار واژه «هادوا»، یک بار واژه «هدنا» و ده مورد کلمه «هود»، که هفت مورد آن، نام پیامبر بزرگ قوم عاد و سه مورد دیگر آن به معنای یهود در برابر نصاری است. (دیاری، ۱۳۸۳: ۸۳)





قرآن کریم در استعمال واژه‌های «یهود» و «بنی اسرائیل» دارای روشی خاص است؛ بدین معنا که واژه «یهود» را بیشتر در مورد یهودیان معاصر پیامبر^۶ و در سور مدنی بکار می‌برد و واژه «بنی اسرائیل» را، معمولاً درباره یهودیان اقوام گذشته - از فرزندان حضرت یعقوب^۷ که به بنی اسرائیل نامیده می‌شدند، تا ایمان آورندگان به حضرت موسی^۷ و حضرت عیسی^۷ - استفاده می‌نماید.

برخی معتقداند اصطلاح «بنی اسرائیل»، که در قرآن بیشتر درباره یهودیان غیر معاصر با پیامبر اکرم^۶ بکار رفته، دارای نوعی مدح است؛ چون آن‌ها را به حضرت یعقوب^۷ که به اسرائیل نامیده می‌شده منسوب کرده است. اما واژه یهود نوعی بار تحقیر داشته و قرآن با به کار بردن لفظ یهود قصد تحقیر یهودیان را داشته است. (خالدی، ۱۴۱۹: ۳۸)

در جواب باید گفت: گرچه می‌پذیریم که واژه «بنی اسرائیل» دارای مدح است، اما در مورد تحقیر آمیز بودن واژه «یهود» به نظر می‌رسد که قرآن تنها خواسته است با کار بست واژه «یهود»، پیروان دین موسی را قصد کند تا از شمول آن نسبت به مسیحیان جلوگیری شود، در حالی که تعبیرهایی نظیر اهل کتاب و بنی اسرائیل قابلیت فراگیری یهودیان و مسیحیان را دارد. از همین رو، در بیشتر موارد واژه‌های یهود، هودا و الذین هادوا در کنار واژه نصاری به کار رفته است. قرآن کریم واژه‌های «الیههه»، «هوداً»، «یهودیاً» و «اللاید هالموا» را برای کسانی که به کیش حضرت موسی بوده‌اند به کار برده، اما هیچگاه یهودیت و نصرانیت را به پیامبران نسبت نداده است. در مقابل، اوصافی چون ملت ابراهیم، مسلم و حنیف را برای ایشان بکار برده است. (بقره/۱۳۵-۱۴۰؛ آل عمران/۶۷) همچنین انبیای بنی اسرائیل را دعوت کننده به اسلام می‌داند و همه آن‌ها را مسلم می‌خواند. (بقره/۱۲۸، ۱۳۳-۱۳۱؛ آل عمران/۸۴؛ مائده/۱۱۱؛ عنکبوت/۴۶؛ یونس/۹۰؛ حج/۷۸)





حتی در مورد مسیحیان می‌گوید: آن‌ها کسانی هستند که خود نام نصاری برای خود نهاده‌اند. (مائده/۸۲) بنابراین قرآن وقتی از عبارت «اللّٰه یٰ هٰمٰلوا» استفاده می‌کند منظورش کسانی است که خود را به یهودیت ملحق کرده‌اند و خود را یهودی می‌دانند. (شاکر، ۱۳۹۱: ۹-۱۰)

۳-۱. الف و لام واژه «الیهود» در قرآن عهد است یا جنس؟

ابتدا باید دانست در زبان عربی الف و لام، غیر از اینکه حرف تعریف است، کاربردهای دیگری نیز دارند که بسته به انواع الف و لام متفاوت خواهد بود. دو نوع الف و لام در عربی وجود دارد: عهد و جنس. تعریف و اقسام هر کدام به اختصار چنین است:

۱- الف و لام عهد: حرفی است که اسم‌های نکره را معرفه می‌سازد. الف و لام عهد خود بر سه قسم است: عهد ذکری، عهد ذهنی، و عهد حضوری. منظور از الف و لام عهد ذکری، آن است که اسمی در متنی تکرار شده باشد. این اسم برای بار اول نکره تلقی می‌شود و حرف تعریف نمی‌گیرد؛ اما همان اسم وقتی برای بار دوم و بیشتر به کار می‌رود با الف و لام تعریف آورده می‌شود. عهد ذهنی آن است که مخاطب نسبت به اسم موضوع بحث، آگاهی و علم پیشین داشته باشد. عهد حضوری هم آن است که الف و لام عهد، یاد آور اسمی باشد که حین تکلم، حاضر و برای مخاطب آشکار است.

۲- الف و لام جنس: برای معرفه کردن آن دسته از اسم‌ها به کار می‌رود که بر جنس و تمامی افراد بی‌شمار مفهومی دلالت می‌کنند. به بیان دیگر، این الف و لام بر سر اسم‌هایی می‌آید که نامی برای جنس‌های مشخص و شناخته شده است. الف و لام جنس بر سه گونه است: گاه برای بیان





حقیقت و ماهیت آن جنس خاص به کار می‌رود. گاه بر استغراق حقیقی یک جنس دلالت می‌کند و شامل همه افراد آن جنس می‌شود. گاه نیز برای دلالت بر استغراق غیر حقیقی یک جنس به کار می‌رود؛ یعنی برای مبالغه در بیان اوصاف آن جنس خاص در یکی از افرادش. (ابن عقیل، ۱۹۶۴: ۱/۱۷۸؛ زاهدی فر و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۴-۳۶)

در قرآن کریم واژه «الیهود» هشت بار و در هفت آیه ذکر شده است. بر پایه جستجوی صورت گرفته، شاید بتوان ادعا کرد در شش آیه از این هفت آیه، مفسران به صراحت به نوع الف و لام واژه «الیهود» نپرداخته‌اند؛ بلکه فقط در بیان شأن نزول آیات، به نحوی سخن رانده‌اند که می‌توان برداشت کرد الف و لام را عهد ذکری گرفته‌اند و نه جنس. البته در آیه ۸۲ سوره مائده، نوع الف و لام واژه الیهود، محل اختلاف نظر مفسران شده و برخی از آن‌ها به صراحت در این باره سخن رانده‌اند. در این آیه آمده است: (لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَبُوا. وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِذْ نَصَارَى. ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَسِيسِينَ وَرُهَبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ) (مائده/۸۲)؛ مسلماً یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده‌اند، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت؛ و قطعاً کسانی را که گفتند: «ما نصرانی هستیم»، نزدیکترین مردم در دوستی با مؤمنان خواهی یافت، زیرا برخی از آنان دانشمندان و رهبانانی‌اند که تکبر نمی‌ورزند. بسته به این که الف و لام واژه «الیهود» عهد باشد یا جنس، معنای آیه متفاوت خواهد بود.

اگر الف و لام را جنس بدانیم، آیه عموم یهودیان را در برخواهد گرفت و مراد آیه این خواهد بود که: ای مسلمانان! بزرگترین دشمنان شما تا روز قیامت قوم یهود و مشرکان هستند؛ اما مسیحی‌ها نرم خویند و به اندازه یهودیان عداوت ندارند. برخی از مفسران این تفسیر را پذیرفته و ادعا کرده‌اند که این آیه با هدف بیان یک نقشه مسیر و قاعده‌ای کلی برای مسلمانان نازل شده تا آن‌ها دشمن همیشگی خود را بشناسند، و وجود صهیونیست‌های غاصب در فلسطین را نشانه‌ای برای اثبات ادعای خود دانسته‌اند. (ابن قطب، ۱۳۹۱: ۲/۱۴؛ طنطاوی، ۱۴۲۲: ۱۱/۱۳۴۲)؛





نقد پنداره دشمنی قرآن با همه یهودیان

طیب، ۱۳۷۸: ۴/۴۴۸) اما اگر الف و لام در الیهود حاکی از عهد ذکری باشد، مراد آیه این خواهد بود که یهودیان معاصر پیامبر^آ، بدترین دشمنان آن حضرت و مسلمانان هستند و مسیحیان معاصر ایشان نیز، در قبال آن حضرت و مسلمانان نرم خوی ترند.

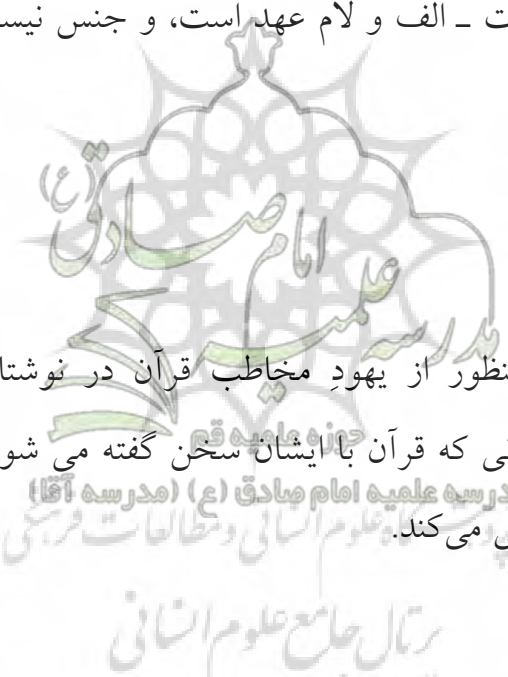
بنابراین می توان گفت، بدترین مردم بودن یهودیان در قبال پیامبر اکرم و مسلمانان، یک قانون کلی نیست و ممکن است با گذشت زمان و تغییر شرایط و روابط اجتماعی و سیاسی، خصوصیات این اقوام نیز تغییر کند؛ چنان که مثلا، گاهی مسیحیان نسبت به پیامبر و مسلمانان دشمنی بیشتری می ورزند؛ یا هر دو قوم رفتاری متفاوت پیش گیرند. (واحدی، ۱۴۲۲: ۱/۱۶۷) قول اخیر با سیاق و مضمون آیه سازگاری بیشتری دارد؛ زیرا این حکم را نمی توان برای همیشه و همه جا دانست؛ بلکه اشاره به یهودیان معاصر پیامبر^آ در مدینه است.

بهترین دلیل بر این امر آن است که قرآن همه یهودیان عصر رسالت را نیز یکسان نمی داند. پس صرف یهودی بودن دلیل این نمی شود که آنها سرسخت ترین دشمن مسلمانان باشند. قرآن در عین آن که به برخی یهودیان نقد داشته و اعمال ناپسندی چون رباخواری، عقاید کفرآمیز، خوردن مال حرام و تحریف سخنان پیامبر^آ را به ایشان نسبت می دهد، از گروهی از آنها نیز تمجید کرده، به عنوان راسخان در علم از ایشان یاد می کند (شاکر، ۱۳۹۱: ۲۳) که سرانجام به پیامبر ایمان می آورند (نساء/۱۶۲) همچنین به نظر می رسد این مقایسه بیشتر درباره یهودیان و مسیحیان معاصر پیامبر اسلام^آ باشد. یهودیان معاصر پیامبر^آ، کتاب آسمانی داشته و دین دار بودند. اما در عین حال به دلایل سیاسی با مشرکان و کفار متحد شده بودند. بدین سان، همان یهودیان که در آغاز مبشر اسلام بودند، حالا حاضر شده بودند به مشرکان بپیوندند. اما در مقابل، مسیحیان که از مدینه دور بوده و در نجران زندگی می کردند و تضاد منافع و تقابل هویتی کمتری با مسلمانان داشتند، رفتاری نرم تر از خود نشان دادند. باین حال، رابطه میان آنها نیز با مسلمانان در عصرهای بعد،



افت و خیزهای بسیار داشت و همواره شکلی ثابت به خود نگرفت. پس نباید آیات فوق را همچون قانونی کلی در باره همه مسیحیان دانست.

افزون بر این، جمله‌های بعدی در همان سیاق که یقیناً درباره برخی از مسیحیان نازل شده که بعد از شنیدن آیات قرآن ایمان آوردند، گواه بر این است که این هر دو آیه درباره جمعی از مسیحیان معاصر پیامبر^آ نازل شده است. (مکارم و دیگران، ۱۳۸۰: ۵/ ۵۵-۵۸) پس مقیس^ع علیه مسیحیان در آیه ۸۲ سوره مائده، یعنی یهودیان هم به طور فراگیر مدّ نظر آیه نیستند. (زاهدی فر و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۵-۴۶) بنابراین به عنوان نتیجه گیری می‌توان گفت: الف و لام واژه «الیهود» در قرآن - حداقل در برخی از آیات - الف و لام عهد است، و جنس نیست تا شامل تمامی یهودیان در همه اعصار و امصار شود.



۴. یهودِ مخاطب قرآن

همان‌گونه که قبلاً گذشت، منظور از یهودِ مخاطب قرآن در نوشتار حاضر، یهودیان معاصر پیامبر^آ اند که هم شامل یهودیانی که قرآن با ایشان سخن گفته می‌شود و هم شامل یهودیانی که قرآن درباره ایشان داستان سرایی می‌کند. **مدرسه علمیه امام صادق (ع) (مدرسه آقا)**

رتال جامع علوم انسانی

۴-۱. علل مهاجرت یهود به جزیره العرب

در پاسخ به این سؤال که چرا یهودیان به جزیره العرب کوچ کردند نظریه‌های گوناگونی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- گروهی از یهودیان که هنگام حمله بخت نصر، پادشاه آشور به فلسطین، از دیار خود بیرون رانده شده بودند، به جزیره العرب رفته، در آن دیار مسکن گزیدند.





۲- در سال ۷۰ میلادی با حمله تیتوس و خرابی معبد یهود تعدادی از آنها از فلسطین آواره شدند. یهودیان که از شدت شکنجه و آزار رومیان رنج می‌بردند، در سال ۱۳۲ میلادی از سرزمین خویش بیرون رفته، به جزیره العرب که در آن هیچ گونه محرک مادی برای افراد جهت توجه به آن منطقه وجود نداشت و محیط امنی بود کوچ کردند.

۳- گروهی از عمالقه در حجاز ساکن بودند و پادشاهشان ارم بن ارقم بود. بنی‌اسرائیل پس از تصرف شام گروهی را به حجاز فرستادند، و به آنها دستور دادند هیچ فرزند پسری را که به سن بلوغ رسیده باشد زنده نگذرانند. سپاهیان بنی‌اسرائیل هنگام غلبه بر عمالقه ارقم را کشتند، اما پسرش را چون بسیار زیبا بود به قتل نرساندند. وقتی به سرزمین خویش رسیدند بنی‌اسرائیل، آنان که از حکم پیامبرشان تخطی کرده بودند راه ندادند، لذا مجبور شدند به حجاز و مکان‌هایی که از یثرب تصرف کرده بودند باز گردند که تمام یهود خیبر و قریظه و نضیر از اعقاب آنها هستند، همچنین تمام عوف و بهدل از خزرج نیز به آنان می‌رسند.

۴- از آنجا که حجاز واسطه بازرگانی شام و فلسطین با یمن بود، قافله‌ها و کاروان‌های تجاری زیادی به آنجا مسافرت می‌نمودند. همچنان که کشورهای عرب به سوی بازارهای شهرهای بنی‌اسرائیل و کنعان می‌رفتند و بازرگانان و تجار یهود در دوران حضرت سلیمان^ع و پس از او به کشور سبا مسافرت می‌کردند. با این مهاجرت‌ها و فعالیت‌های بازرگانی یهود، رسم و آیین آنها در حجاز و یمن انتشار یافت. در پی همین روابط تجاری، ممکن است گروهی وارد سرزمین حجاز شده باشند.

۵- یهودیان به ناچار به سرزمین‌های مجاور خود مانند مصر و عراق و جزیره العرب مهاجرت کرده و اولین بار در جست و جوی چراگاه وارد سرزمین اعراب شدند. زیرا افزایش روز افزون





یهودیان در فلسطین وضعی را به وجود آورد که دیگر چراگاه‌ها و فضاها‌ی مسکونی آن منطقه برای زندگی ایشان کافی نبود.

۶- از آنجا که امپراتور روم، پس از ویرانی هیکل یهود را تعقیب می‌کرد، آن‌ها در عالم متفرق شدند که بنی‌نضیر، بنی‌قریظه و بنی‌بهدل از این زمره‌اند. عده‌ای معتقدند احتمالاً هسته اولیه این گروه، یهودیانی بودند که در قرن اول میلادی هنگام تصرف فلسطین به دست رومیان از آنجا گریختند و شاید این یهودیان آرامی زبان نام «یثرب» را به کلمه «مدینتا» تبدیل کرده‌اند. (جدید بناب، ۱۳۹۰: ۲۷-۳۰)

۷- داستان دیگری از پسران داوود نقل شده است که ایشالوم به جانب داری از برادر خود ناتان برادر دیگرش امئون را کشت و گریخت. ایشالوم با وجود دل جویی داوود دوباره شورش کرد. اسباط بنی‌اسرائیل با او هم دست شدند و او به شام یا خیبر رفت. داوود به کمک سبط یهودا مدت هفت سال در آنجا ماند و بعد از قتل پسرش بازگشت. یکی از محققان درباره این داستان می‌نویسد:

صرف نظر از شباهت بسیار این مطالب به افسانه‌ها و احتمال ضبط آن‌ها در تاریخ عرب و اسلام می‌توان استنباط کرد سازنده این داستان‌ها، یهودیان ساکن یا یهود مسلمان شده حجازند که می‌کوشیدند تاریخ و نسب خود را به پیامبران برسانند. (جدید بناب، ۱۳۹۰: ۲۹)

۸- در منابع اسلامی علت دیگری برای کوچ یهودیان ذکر شده و آن، آگاهی یهود از ظهور پیامبر آخر الزمان در این منطقه است. ابوبصیر از امام صادق^۷ روایت می‌کند: یهود در کتاب‌های خود خوانده بودند که محل هجرت محمد^۶ میان دو کوه عیر و احد است. پس در جست و جوی این دو کوه راه افتادند تا این که آن‌ها را یافته و در کنارش ساکن شدند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰۹/۸) این





روایت با توجه به آیه ۸۹ سوره بقره که می‌فرماید یهودیان هنگام درگیری با عرب وعده پیروزی خود به همراه پیامبر موعود را می‌دادند؛ می‌تواند دلیل قابل توجهی برای کوچ یهود به این منطقه باشد. علاوه بر این آیه، آیات زیادی از قرآن به شناخت یهود نسبت به پیامبر^ص اشاره دارد. (ر.ک: بقره/۱۴۶؛ انعام/۲۰؛ اعراف/۱۵۷)

نتیجه آن که گزارش‌های مربوط به کوچ یهودیان با هم تناقض نداشته و قابل جمع است. بنابراین می‌توان به عنوان نتیجه گیری چنین نگاشت که: یهودیان در چند مرحله به جزیره العرب کوچ کرده‌اند. در این میان گروهی با آگاهی از ظهور پیامبر خاتم^ص در حجاز این منطقه را انتخاب کرده و در آن ساکن شده‌اند. و گروهی به اجبار پادشاهان ظالم یا مردمان‌شان به این منطقه رفته‌اند. مناسب نبودن آب و هوای حجاز و عدم آمادگی آن برای کشاورزی، مؤیدی بر این مطلب است که کوچ آنان اهداف مادی نداشته است. آن چه مسلم است این که یهودیان، پیش از اوس و خزرج در یثرب سکونت داشته و به منزله رؤسای آن به شمار می‌رفته‌اند. (صادقی، ۱۳۸۶: ۳۲-۳۴)

نگارنده این نظریه را اختیار کرده است. **بلاز این همه، برخی معتقدند یهود جزیره العرب هیچ اثر مکتوب و نوشته‌ای که از گذشته آن‌ها حکایت کند، ندارند.** (علی، ۱۹۷۰: ۵۱۹/۶) نیز باور برخی محققان آن است که از آنجا که یهودیان دمشق و حلب در قرن سوم میلادی منکر وجود یهود در جزیره العرب شده‌اند، و همچنین تاریخ یهود در جزیره العرب در هیچ مصدر یهودی بیان نشده است، شاید بتوان ادعا نمود در آنجا اصلاً یهودیان نبوده‌اند! ایشان می‌افزایند کسانی که در اطراف خیبر زندگی می‌کرده و خود را یهودی می‌دانستند، حقیقتاً یهودی نبودند، چرا که به دیانت توحیدی و قوانین تلمود به طور کامل وفادار نبودند. (ولفسون، ۱۴۱۵: ۵۵)





البته ضعف این دیدگاه روشن است و آن اینکه صرف عمل نکردن به احکام یک دین، دلیلی بر اهل آن دین نبودن نیست. با این حال، به نظر برخی از محققان، شمعون التیمانی، که نامش در میدراش و تلمود آمده از یهودیان ساکن در تیماء بوده است. (علی، ۱۹۷۰: ۵۲۸/۶) بعضی از پژوهشگران نیز دلیل اصلی سکوت منابع در این باره را انقطاع جزیره العرب از عالم متمدن آن روز می‌دانند. (شاکر، ۱۳۹۱: ۱۳) گرچه نویسندگان مدخل BIBLE در دایره المعارف جودائیکا بر این نظراند که پیش از ظهور اسلام، در دوره جاهلیت، جماعتی از یهودیان در شمال و جنوب شبه جزیره عربستان می‌زیسته‌اند که از وجود کتاب مقدس آگاه بوده‌اند. (Narkiss, ۲۰۰۷: ۴/۹۲۷-۹۳۲)

پژوهش‌های انجام شده در منابع معتبر نشان می‌دهد یهود در مکه موقعیت در خور توجهی نداشت، زیرا نه در آیات قرآن اشاره‌ای به آنان شده است و نه قبیله‌ی خاصی از ایشان دیده می‌شود، (جدید بناب، ۱۳۹۰: ۳۴) از طرف دیگر آن‌ها در مسائل خود به یهود یثرب مراجعه می‌کردند. (علی، ۱۹۷۰: ۵۴۳/۶) پس در یک جمع بندی می‌توان گفت: یهودیان قبایل سه گانه در یک محدوده مثلثی شکل در شمال غربی مدینه زندگی می‌کردند و یهودیان اوسی و خزرجی همراه با بقیه افراد مسلمان از قبیله خود و در کنار ایشان می‌زیسته‌اند.



۴-۲. یهود مدینه، یهود اصیل یا غیر اصیل؟

در این که یهود مدینه، اصیل پشت به پشت یهودی و از نسل بنی اسرائیل هستند یا اعرابی بومی و یهودی غیر اصیل که بعداً به دین یهود گرویده‌اند؛ اختلاف نظر وجود دارد. با توجه به مطالب گفته شده احتمال این که یهود جزیره العرب از نژاد خالص باشند، بسیار ضعیف به نظر می‌رسد. چرا که اکثر یهود عرب، از اعرابی بودند که به آئین یهود گرویده‌اند، چنان‌که یهودیان دمشق و



حلب در قرن دوم و سوم میلادی یهود خیبر را در زمره یهودیان نمی‌شمردند. (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۲۳۱) به علاوه برخی از دانشیان تصریح می‌کنند که اهالی یثرب، اعرابی بودند که دین یهود را پذیرفتند. (حموی، ۲۰۱۱: ۵۹۸/۳)

در تفسیر آیه (لا إكراهَ فِي الدِّينِ) (بقره/۲۵۶)؛ در دین و ووووو ل ل ل ل ل ن ی س س س، آورده‌اند زنانی که در عصر جاهلیت فرزند دار نمی‌شدند، نذر می‌کردند اگر بچه‌ای به دنیا آورند، یهودی اش کنند؛ بدین صورت گروهی از اعراب یهودی شدند. همچنین جماعتی از اوس و خزرج از طریق رضاع به آیین یهود درآمد بودند. عده‌ای از انصار وقتی دین اسلام را پذیرفتند، خواستند آن افراد یهودی شده را به دین اسلام بکشانند که خداوند با نزول این آیه آن‌ها را نهی کرد. همچنین هنگامی که به یهودیان دستور داده شد تا مدینه را ترک کنند، گروهی از فرزندان مسلمانان تصمیم گرفتند همراه یهودیان، پدران خود را ترک کنند. مسلمانان گفتند: ای رسول خدا! فرزندان و برادران ما میان آن‌ها هستند و خواستند به اجبار فرزندان‌شان را به قبول اسلام وادار کنند تا مانع خروج آن‌ها شوند، اما آیه فوق قبول یارَد اسلام را به عهده فرزندان یهودی شده گذاشت. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰/۳)

یعقوبی بنی‌نضیر و بنی‌قریظه را متهود دانسته و گفته است: آنان شاخه‌ای از جذام بودند که آیین یهود را اختیار کرده بودند. همچنین گروه‌هایی از اوس و خزرج به علت هم نشینی طولانی با یهود در محله خیبر و بنی‌قریظه یهودی شدند، چنان‌که تعدادی از بنی‌الحارث بن کعب و عده‌ای از قبیله غسان و جذام نیز یهودی شدند. (یعقوبی، ۱۹۶۰: ۲۵۷) آن‌ها اسامی اعراب را داشتند، شعرشان منسوب به عربیت و فکر عربی بود. آن‌ها در حیات سیاسی و اجتماعی تفاوت چندانی با اعراب نداشتند و به جز دین در بیشتر موارد شبیه اعراب بودند. (علی، ۱۹۷۰: ۵۲۴/۶-۵۳۲) یهودیان خود اعتراف می‌کنند ثروت و رفت و آمد یهود با همسایگان عرب به تدریج بسیاری از





اعراب را به طرف خود کشانید و دیانت موسی^ع را قبول کردند. (ابان، ۱۳۵۸: ۱۷۳) شاید مهم-ترین مصداق تلاش برای نشان دادن ریشه بنی اسرائیلی یهود جزیره العرب وجود داستان‌هایی چون آمدن حضرت داوود^ع به جزیره العرب و اقامت او در آنجا باشد. (جدید بناب، ۱۳۹۰: ۳۵)

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت گرچه یهودیان تلاش می‌کنند تا یهود جزیره العرب را اصیل پشت به پشت یهودی معرفی کنند، اما واقعیت آن است که اکثریت یهودیان مدینه، اصیل نبوده‌اند. بلکه نو یهودیانی بوده‌اند که به اسباب گوناگون دنیوی و مادی به دین یهود گرویدند و قهرا نمی‌توانند آیین‌های تمام نما از متدینان به دین یهود و شریعت یهودی بوده باشند. به علاوه در سطور بعد روشن خواهد شد که آن‌ها از مراکز اصلی دینی یهود هم فاصله گرفته و از بن مایه‌های معرفتی و احکامی دین یهودیت کم اطلاع بودند.



۳-۴. موقعیت اجتماعی، فرهنگی و علمی یهود مدینه

گرچه یهودیان دارای استقلال سیاسی و اقتصادی از اعراب بودند، اما برای صیانت خود ناچار بودند با قبایل عرب متحد شوند که در این اتحاد، یهود مقام پایین تری کسب کردند. (مونتگومری وات، ۱۳۴۴: ۲۸) پس نمی‌توان ادعا کرد یهودیان از هر جهت بر اعراب حجاز برتری داشته‌اند. یهودیانی که در شمال حجاز و در همسایگی اوس و خزرج یا در خیبر و در قلعه‌های خود ساکن بودند، زندگی همسانی با زندگی همسایگان عرب خود داشتند و تمدن آن‌ها اندک بود و بدویت بر آن‌ها غلبه داشت. بیشتر یهودیان مانند اعراب، بی سواد بودند و به جز علمای مذهبی آنان بقیه کمتر قادر به خواندن و نوشتن بودند، این علمای مذهبی هم به نادانی نزدیک تر بودند تا به دانش. (حسین، ۱۳۸۷: ۷) حتی برخی بر این نظراند که یهودیان ساکن مدینه افراد بی سواد بوده‌اند که از دین یهود چیز قابل توجهی نمی‌دانسته‌اند. (ولفنسون، ۱۴۱۵: ۵۴-۵۵).





نقد پنداره دشمنی قرآن با همه یهودیان

به رغم حضور فی الجمله علمای دینی یهود، باید پذیرفت که یهودیان مدینه دارای پایگاه علمی قابل توجهی نبوده‌اند. گرچه معدودی از آن‌ها، از احبار و ربانیونی بوده‌اند که برخی‌شان به اسلام گرویدند و بیشترشان حقیقت را کتمان کردند. عبدالله بن سلام از احباری بود که بعد از ملاقات با پیامبر اکرم^ص اسلامش را اظهار کرد. (شاکر، ۱۳۹۱: ۱۵)

رسول خدا^ص چندی پس از ورود به یثرب بین مسلمانان عقد اخوت و برادری منعقد نمود، سپس یک پیمان امنیتی - دفاعی با یهودیان بست تا بدین طریق به مبارزه با مشرکان مکه پردازد و مسلمانان بتوانند با تمرکز تمام قوای خویش را در یک جبهه بر مشرکان بتازانند و از بیم دشمن داخلی در امان باشند. (جدید بناب، ۱۳۹۰: ۴۰-۴۲)

با نگاهی به متن دو پیمان نامه به ویژه عبارت «للیهود دینهه و ل لللمدددددد» می‌توان دریافت که بنای اسلام و پیامبرش در برقراری روابط مسالمت آمیز و صلح طلبانه با همه گروه‌ها و اقوام بوده به گونه‌ای که در آیه ۶۱ سوره انفال به صراحت آمده است. با نگاهی به تاریخ می‌توان به وضوح مشاهده کرد که این یهودیان بودند که با جنگ طلبی، عهدنامه را نقض کرده، جنگ را بر پیامبر و مسلمانان تحمیل کردند. (صادقی، ۱۳۸۶: ۶۵-۶۶)

مدرسه علمیه امام صادق (ع) (مدرسه آقا)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵. یهودیان تمجید شده در قرآن

قرآن کریم یهودیان مخاطب خود را به دو قسم عالمان و غیر عالمان تقسیم می‌کند؛ و هر کدام از عالمان و غیر عالمان نیز، خود به نیک کرداران و زشت کرداران تقسیم می‌شوند. قرآن، عالمان و غیر عالمان زشت کردار را منصفانه نقد می‌کند. مثلاً با توجه به آیه ۷۵ سوره آل عمران، می‌توان دریافت شیوه نقد خداوند نسبت به یهودیان، بدین صورت است که ابتدا آن دسته از یهودیان را که از صفت امانت داری برخوردارند مدح کرده و از ایشان تمجید می‌کند؛ سپس به نقد آن دسته





از یهودیان که امانت دار نبودند می‌پردازد. این شیوه نقد منصفانه و خیرخواهانه باید به سیره مسلمانان تبدیل شود تا اثر اصلاح‌گری در جامعه جهانی داشته باشد. افزون بر این همان گونه که مشاهده می‌شود، از آنجا که در این نوع نقدهای قرآن، صفت منفی ذکر شده است، می‌توان دریافت برخی نقدهای قرآن صفت محور است و مخصوص قبیله یا مذهب خاصی نیست و هرکس که بدین صفات متصف شود را در بر می‌گیرد، حتی اگر از مسلمانان باشند.

اما نیک کردارانِ یهودی را - چه عالم و چه غیر عالم - می‌ستاید، که در سطور بعدی این یهودیان نیک کردار، در دو بخش عالمان و غیر عالمان معرفی شده و آیات مربوط به ایشان بیان می‌گردد.



۵-۱. عالمان

مفسران مراد از راسخان در علم در آیه ۲۱۶ سوره نساء در عالمان یهودی مذهب دانسته‌اند که خدمت پیامبر اکرم رسیده و اسلام آوردند و مورد مدح خداوند قرار گرفته‌اند. (ابن سلیمان، ۱۴۲۳: ۴۲۲) از جمله این عالمان عبدالله بن سلام و مخیریق هستند، که در ادامه به بررسی اجمالی زندگانی ایشان و دیگر آیاتی که در موردشان نازل شده پرداخته می‌شود.

۵-۱-۱. عبدالله بن سلام

حُصَیْن بن سلام بن حارث اسرائیلی از عالمان و احبار یهود و از قبیله خزرج یا بنی قینقاع است که هنگام ورود پیامبر به مدینه، اسلام آورد و حضرت، نام او را عبدالله نهاد. کنیه او ابو الحارث یا





ابو یوسف است. عبدالله در علوم مربوط به تورات متبحر بود و همواره ادعا می کرد که عالم ترین یهود بوده و درباره کتاب های پیشین از همگان آگاه تر است. (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۵: ۱۰۲/۴-۱۰۳) او قبل از اسلام از رؤسای یهودیان بود (Noy, ۲۰۰۷: ۳/۲۱۱) که مردم را به جنگ با پیامبر در واقعه خندق تحریض می کرد. اما پس از اسلام آوردن از اصحاب خاص پیامبر گردید. از او روایات زیادی بر جای مانده و عده ای از او نقل حدیث کرده اند.

برخی از محققان معتقداند او از کسانی بود که احادیث فراوانی را جعل کرد تا نظر عوام را به خود متوجه، و جایگاهش را میان آنان رفیع سازد. (معرفت، ۱۴۱۸: ۹۶/۲) از وی روایت شده که پیامبر به او اجازه داده یک شب قرآن و یک شب تورات بخواند؛ اما ذهبی این روایت را به سبب وجود ابراهیم بن ابی یحیی که فردی متروک الحدیث و متهم است، ضعیف دانسته است. (ذهبی، ۱۴۱۴: ۱۴۱۸/۲-۱۴۱۹) او در سال ۴۳ هجری و در زمان خلافت معاویه در مدینه در گذشت. (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۵: ۱۰۴/۴) برخی مفسران، آیه ۱۱۳ آل عمران را درباره وی و دیگر یهودیانی دانسته اند که پس از پذیرش اسلام از صالحان شدند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۵۲/۳) نیز مقصود از کسی که علمی از کتاب در نزدش بود، در آیه ۴۳ رعد بنا بر قولی وی دانسته شده که شاهد رسالت پیامبر^ص بود، گرچه با توجه به مکی بودن سوره و اسلام عبدالله بن سلام در مدینه، این قول بعید به نظر می رسد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۷۸/۱۳) همچنین مقصود از «شاهد» در آیه ۱۰ احقاف وی دانسته شده که شاهد حقایق قرآن بود. (الکشاف، ۱۴۰۷: ۲۹۹/۴) برخی از محققان معتقداند آیات ۱۴۶ بقره و ۷۵ آل عمران در مورد او نازل شده است. و همچنین او در میان جمعیتی که شأن نزول آیات ۲۰۸ بقره، ۱۳۶ نساء، ۵۶ مائده، ۴۰ یونس، ۱۹۷ شعراء، و آیات ۵۲ تا ۵۵ سوره قصص درباره آنها است قرار دارد. (شبستری، ۱۳۷۹: ۶۱۱-۶۱۳؛ هاشمی رفسنجانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۵۲/۲۰)





۵-۱-۲. مخیریق

وی عالمی از علماء دینی یهود بود که در مدینه می زیست و ثروتی فراوان شامل باغات و نخلستان‌ها داشت. مورخین می گویند: او پیامبر اسلام را می شناخت، و صفات و مشخصات وی را در میراث‌های علمی باقی مانده از گذشتگان دیده و می دانست. هنگامی که پیامبر اسلام از مکه هجرت کرده، و پیش از ورود به مدینه در شهر قبا فرود آمده بود، عبدالله بن سلام و مخیریق دو عالم بزرگ یهودی به زیارت آن حضرت شتافته و اسلام آوردند. (مقریزی، ۱۹۹۹: ۴۶)

جنگ احد که پیش آمد، این نبرد روز شنبه اتفاق افتاد که روز تعطیل رسمی و مذهبی یهودیان بود، در این روز مخیریق در میان قوم خود فریاد برداشت: ای یهودی‌ها به خدا سوگند، شما به طور قطع می دانید که یاری دادن به محمد بر شما لازم و واجب است، یهودیان پاسخ دادند، امروز، روز شنبه است و در روز شنبه کار و فعالیت حرام است، مخیریق گفت دیگر شنبه ای برای شما وجود ندارد، و این رسم چون دیگر رسوم و آداب مذهبی یهود با آمدن اسلام نسخ شده است. آن گاه شمشیر خود را به دست گرفت، و از خانه و کاشانه اش بیرون آمد و در میدان احد به محضر رسول خدا شرفیاب شد. او در آن هنگامه جنگ وصیت کرد که: اگر من در این جنگ کشته شدم اموال و ثروتم متعلق به محمد است، و در آن هر تصرفی که بخواهد بنماید صاحب اختیار است، او در آن روز کشته شد و شربت شهادت نوشید و به فوز عظیم نایل گشت. (طبری، ۱۴۱۲: ۵۱۳/۲) او از آن دسته از احبار یهود است که آیه ۱۶۲ سوره نساء - که قبلا به آن اشاره شد - درباره آن‌ها نازل شده است. (ابن هشام، بی تا: ۵۱۸/۱)



۵-۲. غیر عالمان



برخی مفسران سه آیه از آیات قرآن کریم را در مدح اصحاب و منسوبان عبدالله بن سلام می‌دانند. (طبری، ۱۴۱۲: ۳۱/۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۴۵۹) این افراد در گروه عالمان یهود قرار نداشته بلکه از مردم عوام هستند. در این نوشتار ابتدا نگاهی به آیات مدح برخی از مردمان یهودی انداخته سپس به اختصار زندگانی برخی از مردم عوام یهود را که در تفاسیر و تاریخ آمده، مرور خواهیم کرد. خداوند در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران می‌فرماید: (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو الْبُرْهَانِ) (آل عمران/۱۱۰) شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: به کار پسندیده فرمان می‌دهید، و از کار ناپسند باز می‌دارید، و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعاً برایشان بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمنند و [لی] بیشترشان نافرمانند.

همچنین در آیات ۱۱۳ تا ۱۱۵ همین سوره می‌فرماید: (لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتَّبِعُونَ آيَاتِ اللَّهِ أَنْاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ . يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمِنُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ . وَ مِمَّنْ يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ) (آل عمران/۱۱۳-۱۱۵)؛ [ولی همه آنان] یکسان نیستند. از میان اهل کتاب، گروهی درست‌گزارند که آیات الهی را در دل شب می‌خوانند و سر به سجده می‌نهند. ﴿به خدا و روز قیامت ایمان دارند؛ و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند؛ و در کارهای نیک شتاب می‌کنند، و آنان از شایستگانند. ﴿و هر کار نیکی انجام دهند، هرگز درباره آن ناسپاسی نبینند، و خداوند به [حال] تقواییشان داناست.

نیز در آیه ۱۹۹ همین سوره می‌فرماید: (وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ سَرِيعٌ الْجَسَابِ) (آل عمران/۱۹۹)؛ و البته از میان اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و بدانچه به سوی شما نازل شده و به آنچه به سوی خودشان فرود آمده ایمان دارند، در حالی که در برابر خدا



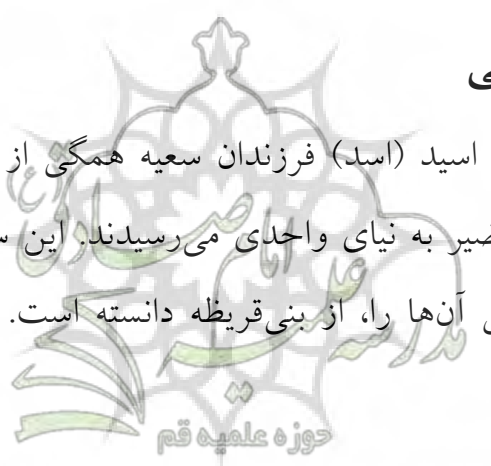


خاشعند، و آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی‌فروشدند. اینانند که نزد پروردگارش پاداش خود را خواهند داشت. آری! خدا زود شمار است.

همان گونه که گذشت این آیات در نگاه برخی مفسران به مدح اصحاب و منسوبان عبدالله بن سلام اشاره دارد و مدح آنها را نموده است. اسامی و زندگینامه مختصر برخی از ایشان در کتب تفسیری و تاریخی آمده است که به آنها اشاره می‌شود.

۵-۲-۱. آسد بن عبید هدلی

او و پسر عموهایش، ثعلبه و اسید (اسد) فرزندان سعیه همگی از یهودیان بنی‌هدل (بنی‌هدیل) بودند که با بنی‌قریظه و بنی‌نضیر به نیای واحدی می‌رسیدند. این سه با بنی‌قریظه می‌زیستند، به همین دلیل ابن حجر عسقلانی آنها را، از بنی‌قریظه دانسته است. (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۵: ۲۰۷/۱)



طبق نقل طبری، ابن‌هیبان که از بزرگان یهودیان بود، برای درک محضر پیامبر خاتم، سختی معیشت در حجاز را به آسایش در شام ترجیح داده و به یثرب آمده بود، هنگام مرگ خود آنان را از ظهور پیامبر موعود آگاه ساخت و گوش زد کرد که مبدا دیگران در ایمان به او بر شما سبقت گیرند. شب قبل از تسلیم شدن بنی‌قریظه، این سه نفر سخنان ابن‌هیبان را به دیگران یادآور شدند و از آنها خواستند تا به محمد ایمان بیاورند. سپس خود ایمان آورده، در همان شب به پیامبر پیوستند. بدین‌گونه دارایی آنها باز گردانده شد و جان خود و خانواده خویش را حفظ کردند.

احبار یهود که از پیوستن ایشان به پیامبر با خبر شدند، گفتند: اینان از فرومایگان یهود بودند که آیین پدران خود را رها کردند. اینجا بود که آیات ۱۱۳-۱۱۵ آل عمران در رد سخنان ایشان نازل



نقد پنداره دشمنی قرآن با همه یهودیان

شد و خداوند این گونه آن سه نفر را از صالحان شمرد و غیر قابل مقایسه با بنی قریظه معرفی کرد. (طبری، ۱۴۱۲: ۷۱/۴) بنا به روایتی، اسید و ثعلبه، فرزندان سعیه در زمان حیات پیامبر^ص از دنیا رفتند. از زندگانی او اطلاعات بیشتری در دست نیست. (سامانی، ۱۳۸۲: ۱۹۵/۳)

۵-۲-۲. ثعلبه بن سعیه

او ثعلبه بن سعیه، صحابی پیامبر اکرم^ص است که در سال پنجم هجرت مسلمان شد و برخی نام او را سعنه یا سعید دانسته‌اند. او در جاهلیت از یهودیان بنی قریظه بود. داستان اسلام آوردن او به همراه برادر و پسر عمویش در سطور قبل گذشت و بیان شد آیات ۱۱۳ تا ۱۱۵ سوره آل عمران درباره ایشان نازل شده است. برخی از مفسران آیه ۲۰۸ سوره بقره را نیز نازل شده درباره او و عده‌ای از یهود دانسته‌اند و بیان کرده‌اند که او به همراه جمعی از یهودیان، بعد از اسلام آوردنشان نزد پیامبر^ص آمدند و پرسیدند: آیا هنوز تحریم عمل در روز شنبه، و خوردن گوشت شتر بر ما باقی است؟ که این آیه در شأن ایشان نازل شد. (طبرسی، ۱۴۰۳: ۵۳۷/۲؛ شبستری، ۱۳۷۹: ۱۰۶)

مدرسه علمیه امام صادق (ع) (مدرسه آقا)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵-۲-۳. اسید بن سعیه

او اسید بن سعیه، برادر ثعلبه بن سعیه و پسر عموی اسد بن عبید است. برخی مورخان نام او را اسید و نام پدرش را سعید یا سعنه دانسته‌اند. او نیز از اصحاب پیامبر^ص است که در سال پنجم هجرت مسلمان شد و قبل از آن از یهودیان بنی قریظه و ساکن در منطقه خیبر بود. او بر مسلمان بودن خود مداومت کرد و هرگز از اسلام دست برداشت و در زمان حیات پیامبر اکرم^ص بدرود حیات گفت. همان‌گونه که در داستان اسلام آوردن او به همراه برادر و پسر عمویش گذشت، آیات ۱۱۳ تا ۱۱۵ سوره آل عمران درباره ایشان نازل شده است. (شبستری، ۱۳۷۹: ۱۰۷)





نتیجه گیری

بنابر آنچه گذشت این پنداره که قرآن با همه یهودیان سر جنگ دارد، فاقد پشتوانه علمی است. چرا که اولاً قرآن همیشه در مقام نقد یهودیت و یهودیان نبوده است، و ثانیاً نقدهای قرآن قوم محور نبوده، که صفت محور است. بدین معنا که قرآن با هیچ یک از اقوام سر جنگ نداشته و همه را با معیار ایمان و عمل صالح می‌سنجد. بنابراین اگر مسلمانان نیز به عملکرد ناصواب برخی یهودیان روی بیاورند، آن‌ها هم مشمول همان نقدهای قرآن قرار خواهند گرفت. و ثالثاً نقدهای قرآنی مربوط به یهود، تمامی یهودیان در همه اعصار و امصار را شامل نمی‌شود.

به علاوه یهودیان ساکن مدینه، از یهودیان اصیل نبوده‌اند؛ بلکه برخی از آن‌ها اعراب یهودی شده بوده و اکثر افراد باقیمانده که اصالتی یهودی داشته‌اند هم بخاطر دور افتادن از مرکز علمی یهود - یعنی سرزمین شامات خصوصاً شهر بیت المقدس - و تأثیر پذیری از فرهنگ جاهلی، کم از عقاید اصیل یهود دور شده و به عرفان‌های خود ساخته، مثل عرفان قبالیه گرویدند. همچنین برخی از عالمان دینی آن‌ها مسلمان شده و بعضی از ایشان، بجای علم اندوزی به زر اندوزی - حتی از راه ربا - می‌پرداختند و برخی از عالمانی که برای درک پیامبر خاتم^۶ به حجاز آمده بودند، قبل از بعثت وفات نمودند.

گرچه یهودیان تلاش می‌کنند یهود جزیره العرب را اصیل پشت به پشت یهودی معرفی کنند، اما واقعیت آن است که اکثریت یهودیان مدینه، اصیل نبوده‌اند. بلکه نو یهودیانی بوده‌اند که به اسباب گوناگون اجتماعی، مثل نذر کردن مادرانی که بچه دار نمی‌شدند یا بوسیله رضاع؛ و همچنین به اسباب گوناگون اقتصادی، مثل تجارت با یهودیان دیگر مناطق و همسایگی با یهودیان حجاز به دین یهود گرویدند؛ همچنین بعضی از آن‌ها که اصالتی یهودی داشته‌اند با تأثیر پذیری از

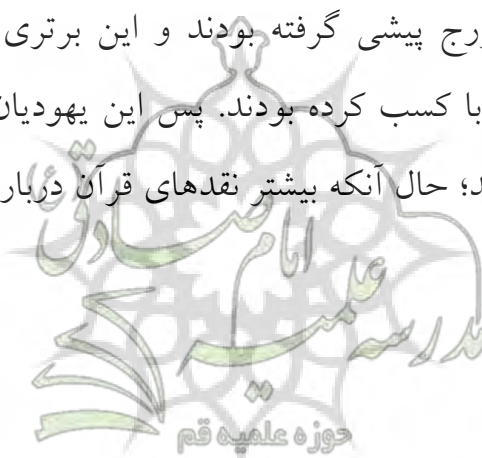




نقد پنداره دشمنی قرآن با همه یهودیان

فرهنگ جاهلی، به تدریج از عقاید اصیل یهود دور شده، به عرفان‌های خود ساخته گرویدند. تعدادی از عالمان دینی آن‌ها مسلمان شده، بعضی از ایشان به زراندوزی حتی از راه ربا پرداخته و برخی از آن‌ها که برای درک پیامبر خاتم^۶ به حجاز آمده بودند، قبل از بعثت وفات نمودند.

بیشتر یهودیان مانند اعراب، بی سواد بودند و به جز علمای مذهبی آنان بقیه کمتر قادر به خواندن و نوشتن بودند، حتی برخی بر این نظراند که یهودیان ساکن مدینه افراد بی سواد بوده‌اند که از دین یهودیت چیز قابل توجهی نمی‌دانسته‌اند. به رغم حضور فی الجمله علمای دینی یهود، باید پذیرفت که یهودیان مدینه دارای پایگاه علمی قابل توجهی نبوده‌اند. یهود از نظر اقتصادی بر اعراب اوس و خزرج پیشی گرفته بودند و این برتری را با تجارت و صناعت و کشاورزی و بالاخره با گرفتن ربا کسب کرده بودند. پس این یهودیان نمی‌توانند آینه تمام نمای متدینان واقعی به دین یهود باشند؛ حال آنکه بیشتر نقدهای قرآن درباره این قسم از یهودیان است.



منابع

- قرآن کریم، (۱۴۱۸ق)، مترجم: محمد مهدی فولادوند، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران: چاپ سوم.

مدرسه علمیه امام صادق (ع) (مدرسه آقا)

کتاب‌ها

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، دارالکتب العلمیه، بیروت.





۲. ابان، آبا، (۱۳۸۵)، قوم من یا تاریخ بنی اسرائیل، مترجم: نعمت الله شکیب اصفهانی، کتاب فروشی یهودا بروخیم و پسران، تهران.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۹۹۵م)، الإصابه فی تمییز الصحابه، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۴. ابن سلیمان، مقاتل، (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۵. ابن عاشور، محمدطاهر، (۱۴۲۰ق)، التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت.
۶. ابن عقیل، عبدالله، (۱۹۶۴م)، شرح الفیه ابن مالک، المكتبه التجاریه الکبری، قاهره.
۷. ابن قطب بن ابراهیم، سید، (۱۳۹۱ق)، فی ظلال القرآن، دار إحياء التراث، بیروت.
۸. ابن هشام، عبدالملک، (بی تا)، السیره النبویه، دار المعرفه، بیروت.
۹. جدید بناب، علی، (۱۳۹۰)، تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی، مؤسسه آموزشی و پژوهش امام خمینی ۱، قم.
۱۰. حموی، یاقوت، (۲۰۱۱م)، معجم البلدان، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۱۱. خالدی، صلاح عبدالفتاح، (۱۴۱۹ق)، الشخصیه اليهودیه من خلال القرآن تاریخ و سمات، دارالقلم، دمشق.
۱۲. دیاری، محمدتقی، (۱۳۸۳)، پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران.
۱۳. ذهبی، محمد بن احمد، (۱۴۱۴ق)، سیر اعلام النبلاء، الرساله، بیروت.
۱۴. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۶)، تاریخ ایران بعد از اسلام، امیرکبیر، تهران: چاپ ۱۱.





نقد پنداره دشمنی قرآن با همه یهودیان

۱۵. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، دار الکتب العربی، بیروت.

۱۶. سامانی، سید محمود، (۱۳۸۲)، دایرة المعارف قرآن کریم، مدخل «اسد بن عبید هدلی»، بوستان کتاب، قم.

۱۷. شبستری، عبدالحسین، (۱۳۷۹)، اعلام القرآن، بوستان کتاب، قم.

۱۸. صادقی، مصطفی، (۱۳۸۶)، پیامبر^ص و یهود حجاز، بوستان کتاب، قم.

۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران.

۲۰. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، دارالمعرفه، بیروت.

۲۱. طنطاوی، محمد السید، (۱۴۲۲ق)، التفسیر الوسیط، دارالفکر، دمشق.

۲۲. حسین، طه، (۱۳۸۷)، آئینه اسلام، مترجم: محمدابراهیم آیتی، اندیشه مولانا، تهران.

۲۳. طیب، عبدالحسین، (۱۳۷۸)، اطیب البیان، اسلام، تهران.

۲۴. علی، جواد، (۱۹۷۰م)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، دارالعلم، بیروت.

۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران.

۲۶. معرفت، محمدهادی، (۱۴۱۸ق)، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، الجامعه الرضویه للعلوم الإسلامیه، مشهد.

۲۷. مقریزی، احمد بن علی، (۱۹۹۹م)، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفده و المتاع، دار الکتب العلمیه، بیروت.

۲۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، اسلامیه، تهران.





۲۹. مونتگومری وات، ویلیام، (۱۳۴۴)، محمد پیامبر و سیاستمدار، مترجم: اسماعیل والی زاده، اسلامیه، تهران.

۳۰. هاشمی رفسنجانی، اکبر و دیگران، (۱۳۸۲)، فرهنگ قرآن، بوستان کتاب، قم.

۳۱. واحدی، علی بن احمد، (۱۴۲۲ق)، الوجیز، دارالتعارف، بیروت.

۳۲. ولفسون، اسرائیل، (۱۴۱۵ق)، تاریخ اليهود فی بلاد العرب، ارض اللواء و دار قطر الندی، بیروت.

۳۳. یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۹۶۰م)، تاریخ الیعقوبی، دار صادر، بیروت.

مقالات

۱. «اختلاف معنایی الف و لام عهد و جنس در تفسیر آیات قرآن کریم»، زاهدی فر، سیفعلی و آمنه موسوی شجری، ۱۳۹۳، دو فصلنامه صحیفه مبین، شماره ۵۶.

۲. «تفسیری تاریخی از یهود بر اساس قرآن کریم»، شاکر، محمد کاظم، ۱۳۹۱، فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم، سال دوم، شماره ۶، **اوزه علمیہ قم**

۳. Bezalel Narkiss & Dov Noy, (۷۷۷۷), Encyclopaedia Judaica, Second edition, Brill, Leiden.



مدرسه علمیہ امام صادق (ع) (مدرسه آقا)

پرتال جامع علوم انسانی